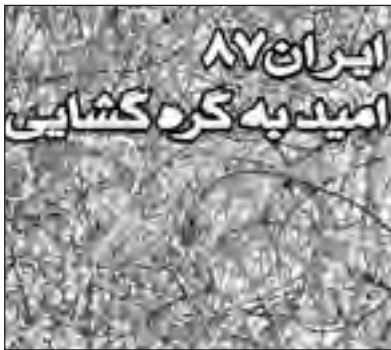


گره‌های ایران



پاسخ‌دهندگان نسبت به عواملی نظیر تلاش فردی، سیاست‌های دولت، اصلاح ساختار بودجه، اصلاح نظام بانکی کشور و بهبود مدیریت کارشناسانه اظهار امیدواری کرده‌اند. در مقابل، در پاسخ به علل نارضایتی، پاسخ‌دهندگان به مواردی مانند بی‌توجهی دولت به قشر کارمند، اجرا نشدن نظام پرداخت هماهنگ حقوق کارکنان دولت، سیاست‌های تورم‌زا، سیاست‌های بین‌المللی تنش‌زا، برداشت بی‌رویه از حساب ذخیره ارزی و سهمیه‌بندی اشاره داشته‌اند.

گره در گره و نیروی انسانی

گره‌های اقتصاد ایران فراوانند که از آن جمله می‌توان به مشکلات ساختاری بخش صنعت، عدم ضمانت اجرایی قوانین مربوط به سیاست‌های اصل ۴۴ و سرنوشت نامعلوم آن، ابهام در تصویب لایحه «رفع موانع تولید» خصوصی‌سازی‌های شبه دولتی، در کنار فشارهای بین‌المللی اقتصادی و سیاسی و تحریم بانک‌های ایران، اشاره کرد.

در کنار این گره‌ها، بیش از هر چیز، ما نگران نیروی انسانی کشور - خصوصاً بیکاران تحصیلکرده - می‌باشیم. دردهای جوانان تحصیلکرده و بیکار به مشکلاتی نظیر محیط ناسازگار کسب و کار، نبود بخش خصوصی توانمند، آشتی‌ناپذیری دانشگاه و صنعت، ضعف زیرساخت‌هایی نظیر نظام بانکی، نامناسب بودن نظام شایسته‌سالاری در بخش دولتی و خصوصی و سیاست‌های غلط باز می‌گردد. بیکاری ننگ است و این پدیده نامیوم موجب هزار درد و بلای اقتصادی - اجتماعی - سیاسی شده، ریشه خلاقیت‌ها را خشک کرده، بومی‌سازی فن‌آوری را نابود ساخته و بدتر آن که، فرار مغزها را موجب شده و کشورمان را از فرزندان شایسته خود محروم می‌کند.

در سال جدید، امید به گره‌گشایی داریم. تنها با اندیشه و اجرای خوب، ایران را می‌توان توانمند و مرفه و برای نسل‌های حاضر و آینده به صورتی پایدار حفظ کرد. کار زیاد داریم، ولی دست در دست یکدیگر، کارمان آسان خواهد نمود. الهی آمین. ■

سیاست کوتاه‌مدت - تنها در بحران - باشد. در بلندمدت ضروری است هر نوع سهمیه‌بندی را لغو و سیاست‌های قیمتی معقول و آزاد را برقرار نمود.

علیرغم فشارهای بین‌المللی ولی با حمایت همه‌جانبه مردم، کشورمان بر تلاش‌های خود برای توسعه و گسترش غنی‌سازی اورانیوم به منظور دستیابی به انرژی صلح آمیز هسته‌ای برای تأمین منابع انرژی در جهت کاهش وابستگی به نفت ادامه می‌دهد. گرچه ممکن است چشم‌انداز سیاست خارجی فعلاً روشن دیده نشود، ولی تا به امروز، موفقیت‌های سیاست خارجی دولت نهم امیدبخش بوده است. خصوصاً سفر رییس‌جمهور محترم به عراق، عربستان، امارات و عمان در سال گذشته همه بسیار شایسته و امیدوارکننده بوده‌اند. ولی متأسفانه با تصویب سومین قطعنامه علیه کشورمان، لزوم اتخاذ سیاست‌های مناسب بیش از پیش احساس می‌گردد. عراق را نیز باید مورد توجه خاص قرار داد تا به صحنه نبرد جدیدی بین ایران و آمریکا تبدیل نشود - مراقب این پدیده بالقوه باشیم.

رشد + عدالت

در رابطه با «مادر همه سیاست‌ها»، باید گفت که دولت نهم و اقتصاددانان محترم آن باید توجه نمایند که اقتصاد فقط با «کمیت» کار نمی‌کند، بلکه متغیر و ابزار «قیمت» به همان اندازه - و حتی بیشتر - حایز اهمیت است. قیمت «منضبط‌کننده» و «تخصیص‌دهنده» شایسته و بدون رقیبی است. البته تأکید می‌کنیم: سیاست قیمت‌گذاری مناسب مانع دستیابی به اهداف عدالت خواهی نمی‌شود و ایجاد یک منظومه آزاد قیمت‌ها در کنار یک نظام یارانه‌ای هدفمند و عادلانه (به نفع اقشار کم‌درآمد)، هدف یک «سیاست رشد + عدالت» است. در این میان، انضباط مالی و پولی دولت و مجلس کافی نیست و گفتنی آن که، با وجود افزایش کم‌سابقه تورم، اکثر زحمات اقتصادی رییس‌جمهور به هدر می‌رود - از جمله سفر به استان‌ها و تلاش در برقراری عدالت بین گروه‌های مختلف درآمدی.

میزان رضایتمندی مردم چگونه است؟ در نظرسنجی اخیر «اقتصاد ایران»، خوش‌بینی‌ها و بدبینی‌های مردم در کنار هم هستند. در بیان علل خوش‌بینی مردم به سال ۸۷،

وضعیت اقتصادی و معیشتی از نگاه مردم

نظرات	وضعیت	چشم‌انداز
بهبتر	۸۶	۸۷
بدون تغییر	۳۴	۳۰
بدتر	۲۹	۲۸
	۳۷	۴۲

منبع: واحد نظرسنجی «اقتصاد ایران».

رشد اقتصاد ایران در نیمه اول سال گذشته حدود ۶/۷ درصد و در طول سال قبل از آن ۶/۲ درصد بوده که به نوبه خود مناسب است. البته علیرغم افزایش چشمگیر درآمدهای نفتی و ارزی در چند سال گذشته، از سال ۸۱ (که رشد معادل ۷/۶ درصد بود) تاکنون، رشد اقتصادی روند نزولی را پشت سر می‌گذارد. این امر نه تنها از اهداف چشم‌انداز ۲۰ ساله که مستلزم رشد اقتصادی ۸ درصد (و حتی ۷/۱ درصدی بر اساس محاسبه «اقتصاد ایران») می‌باشد دور است، بلکه با توجه به بروزن بودن درآمدهای نفتی و آسیب‌پذیر بودن کشور نسبت به نوسانات قیمت نفت و با توجه به وابستگی کلیه بخش‌های اقتصادی به درآمد حاصل از نفت، با در نظر گرفتن احتمال تشدید تحریم‌های بین‌المللی، اقتصاد کشور را در سال‌های پیش‌رو، شکننده به نظر می‌رساند. به همین دلیل، واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، رشد اقتصادی کشور در سال‌های ۸۸-۸۷ را زیر ۵ درصد پیش‌بینی می‌نماید. البته خبرهای بهتری هم در چشم‌انداز است. به عنوان نمونه، درآمد نفتی و گازی سرانه ما برای اولین بار در تاریخ کشورمان می‌رود که به بالای ۱۰۰۰ دلار برسد و محصول ناخالص داخلی سرانه ما را به بیش از ۴۵۰۰ دلار افزایش دهد که در حد خود بسیار مناسب است. در وادی تورم و بیکاری، در سال ۸۵ نرخ تورم ۱۳/۶ درصد اعلام شده بود که در آخرین آمارهای رسمی به ۲۰/۲ درصد در فصل پایانی سال ۸۶ رسیده ولی برآورد هیأت چشم‌انداز ماهنامه متجاوز از ۲۲ درصد است. این ارقام، نگران‌کننده بوده و بر مبنای آن، در سطح حداقل دستمزد در دوره ۸۶-۸۱ هیچ رشد واقعی (قدرت خرید) مشاهده نمی‌شود. در این میان، فشار افزایش قیمت‌ها بیش از پیش به طبقات محروم و کم‌درآمد جامعه وارد می‌شود.

مردم استان‌ها و تورم

در دو سال گذشته، در سیاست‌های استانی دولت خوب عمل کرده است و اتحاد ملی که از فرمایشات مقام معظم رهبری است، به خوبی حفظ گردیده است. ولی تورم، عذاب آور بوده و «اقتصاد ایران» همیشه در این بابت هشدار داده است. واقعیات آن است که تورم، آیتی از بی‌انضباطی‌های عمده دولتی است و موجب نامناسب‌تر شدن توزیع درآمد شده و محیط کسب و کار را به شدت به هم می‌ریزد. بدتر آن که، تورم، رابطه کارگر و کارفرما را فرو می‌پاشد و اعتماد و اطمینان طرفین را از بین می‌برد. لذا سرمایه‌گذاری برای جذب نیروی کار جدید و جوان انجام نمی‌شود، خلاقیت صورت نمی‌گیرد و تکنولوژی بومی نمی‌شود. جای تعجب است در شرایطی که خارجی‌ها منتظر بدتر شدن وضع اقتصاد ما هستند، اجرای سیاست‌های تورمی دنبال می‌شود. این امر توجیه ندارد. از سوی دیگر، اعمال سهمیه‌بندی بنزین در سال ۸۶ موفق بود، اما باید توجه داشت که سهمیه‌بندی باید یک